

در باره ی من	تماس با من	نوشته ها	تولیدات صوتی	تولیدات تصویری	کتابخانه	بیشتیبانی و خرید
------------------------------	----------------------------	--------------------------	------------------------------	--------------------------------	--------------------------	----------------------------------



چطور بدانیم که آیا قضاوت و عکس العمل ما نسبت به مسایل و پدیده ها ی اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، مذهبی و . . پیرامون ما درست است یا غلط ؟
نوشته ای برای همه ی اقشار و طبقات اجتماع

همانطور که قبلا هم اشاره کرده ام همه ی ما در زندگی به جبر محل و زمان تولد مان در این جهان و حتی برخی ویژگی های ژنتیکی ، در مسیرهای از قبل آماده شده ای قرار گرفته و بقیه ی عمر خود را همانند سرنشینان یک سرسره ی بزرگ و عظیم در یک پارک تفریحی در مسیر ثابت و مشخصی طی کرده و معمولا در طول مسیر زندگی خود نیز قادر به تغییر اغلب آنچه خارج از اختیار و اراده ی ما بر ما تحمیل شده نیستیم . برخی از این جبرها چنان به صورت دائمی بر ما تحمیل شده اند که اساسا تغییر شان جایی در ذهنیت ما هم ندارند از جمله ما نمیتوانیم جنسیت ، رنگ پوست ، وضعیت اندام و اعمال حیاتی بدنمان و یا زبان مادری خود را تغییر دهیم (از بحث امکانات علمی و مهندسی ژنتیک و فناوریهای روز که ممکن است این تغییرات را هم روزی میسر سازد صرفنظر میکنیم) .
برخی از جمله طبقه ی اجتماعی ، محل زندگی و حتی ملیت به سادگی قابل تغییر هستند اما برخی نیز مانند فرهنگها و باورها و عملکردهای فلسفی ، مذهبی حتی با تغییر طبقه ی اجتماعی ، محل زندگی و حتی ملیت ما نیز امکان تغییرات اساسی را ندارند چرا که معمولا مقاومت بسیار زیادی در برابر تغییرات آنها وجود دارد . برای درک این موضوع مطابق نوشته ی قبلی فقط کافی است لحظه ای تصور کنیم که اگر ما فقط در سرزمینی متفاوت مثلا هندوستان ، آفریقا ، چین ، یخ های قطب شمال و ... و یا فقط در زمانی دیگر در همین مکان فعلی خود بدنیا آمده بودیم ، چه بسا اکنون در جایگاه همان افرادی بودیم که با تمام وجود آنها را بر مسیر باطل دانسته و حتی متعصبانه نیز به مقابله با آنها مشغول باشیم .

اما در هر حال همیشه بسیاری از افراد وابسته به نسلهای گذشته و جدید با این پرسش روبرو شده یا میشوند که آیا قضاوت و دیدگاهشان نسبت به پدیده های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، مذهبی و . . . پیرامون خود درست است یا غلط؟ در این ارتباط به نظر من برای ایجاد یک روند فکری درست که بتواند احتمالا ما را به پاسخ درستی هم برساند باید چند گام اساسی برداشته شود :

اولین و مهمترین و تعیین کننده ترین گام ایجاد همین پرسش است در ذهن ما که آیا ما در نقطه ی درست و با قضاوتی درست نسبت به موضوعی قرار داریم یا نه ؟ بدون رسیدن به این مرحله اساسا ما دغدغه و ابهام و پرسشی نسبت به مسائل پیرامون خود در هیچ زمینه ای نداریم که بخواهیم دنبال پاسخ یا راه حلی برایشان باشیم . چرا که بر این باور هستیم که همه چیز را به درستی دانسته و در بهترین نقطه و دیدگاه نسبت به مسائل مادی و فرهنگی ضروری برای زندگی خود و دیگران قرار داریم . و این دیگران هستند که در گمراهی بسر میبرند ، و متاسفانه در برخی دیدگاههای افراطی و متعصبانه ی فلسفی یا مذهبی ، این دیدگاه باید به جبر به دیگران نیز تحمیل گردد ! یکی از علایم بسیار بارز اینکه به احتمال بسیار ما در موضع درستی قرار نداریم خشم و عصبانیت ما در بر خورد با آرای مخالف میباشد . آیا تا کنون دیده اید که در دنیای علم بر سر تعیین مساحت مثلث یا دایره و یا موارد مشابه جنگ و دعوایی صورت گرفته باشد و یا دیده اید که فردی از اینکه شخص دیگری قبول نمیکند که دو بعلاوه ی سه پنج میشود خشمگین شده باشد ؟ چرا که خشم جایی وارد میشود که استدلال شکست میخورد .

اما در صورت عبور از این گام اساسی یعنی ایجاد شک و تردید ، فرو نشستن خشم و تمایل به دانستن حقیقت حتی اگر بر خلاف میلمان باشد ، باید بدانیم که چگونه باید در مورد مسئله یا مسائل مورد نظر خود تحقیقی درست انجام دهیم تا بتوانیم به پاسخ یا پاسخ هایی درست هم دست یابیم ؟ و در اینجا است که باید چند نکته ی مهم دیگر را هم مورد توجه قرار داده و درست مشابه روش علمی که بارها در مورد آن صحبت کرده ام عمل کنیم (1پاورقی) یعنی :

ابتدا باید درست همانطور که اگر یک چشم خود را ببندیم نخواهیم توانست ابعاد و فاصله ها را درست تشخیص دهیم و برای مشاهده ی درست به دو چشم با فاصله ای از یکدیگر نیاز داریم ، باید نگاه به موضوع مورد نظرمان را نیز از فقط یک نقطه یعنی همان نقطه ای که به دلایل موقعیت جغرافیایی ، زمانی ، فرهنگی ، فلسفی ، مذهبی و . . . که در آن قرار داریم و ممکن است نقطه ی درست باشد یا نباشد (موضوع مورد تحقیق) به نگاه از حداقل دو نقطه و بهتر چند نقطه تغییر دهیم . (ماهواره های جی پی اس نیز برای تعیین موقعیت دقیق ما باید اطلاعات محل ما را از حداقل سه ماهواره با فاصله ی زیاد دریافت کنند تا بتوانند موقعیت درست ما را محاسبه کنند .) بنابراین ما نیز برای مشاهده ی درست و دریافت اطلاعات کافی برای قضاوت ، باید از چند زاویه و دیدگاه متفاوت به مسئله ی مورد نظر خود نگاه کنیم . و یکی از بهترین و در دسترس ترین نقاط ممکن ، دیدگاههای کسانی است که نظراتشان با نظرات ما متفاوت و حتی مخالف میباشد . باید بدانیم که هیچ کتاب و روزنامه و سایت و رادیو و تلویزیونی حقیقت مطلق نیست اما در زمانه ی ما افرادی هم که با این امکانات بیگانه هستند و یا تنها به یک کتاب ، روزنامه ، سایت ، رادیو ویا تلویزیون مراجعه میکنند هم نمیتوانند دیدگاه و قضاوت درستی نسبت به حوادث پیرامون خود داشته باشند . روزگاری سواد در توانایی

خواندن چند کتاب معدود و توانایی نوشتن خلاصه میشد . اما امروزه سواد یعنی توانایی جستجوی درست در منابع بیشمار اطلاعات و توانایی راستی آزمایی و انتخاب آنها

اما گام مهم بعدی پس از بدست آوردن اطلاعات متفاوت از منابع مختلف و متفاوت غیر مشابه ، راستی آزمایی و بررسی درستی یا نادرستی آنهاست که در این مرحله به ناچار باید کمی با اصول منطق و مغالطات هم آشنا باشیم در غیر این صورت قادر به اتخاذ تصمیم درست در این مرحله نخواهیم بود . به عنوان مثال یکی از مهمترین اصول منطقی اندیشیدن این است که بتوانیم مواردی که دارای تناقضات منطقی میباشند را کنار بگذاریم چرا که حقیقت نمیتواند متناقض باشد . وقتی منبعی دارای اطلاعات متناقض با هم باشد نمیتواند مرجع درست و معتبری شناخته شود . همچنین هیچ منبع و مرجعی نمیتواند خودش شاهد و سند درست بودن خودش باشد . یعنی همان مثل معروف شهادت گرفتن روباه از دمش (یا مثل اینکه بگوییم "الف درست است زیرا " ب " میگوید و " ب " درست است زیرا " الف " میگوید !!) و باز هم اینکه شواهد و مدارک باید برای همه قابل مشاهده و بررسی باشند . در یک ماجرای سرقت ، شناسایی و مجازات دزد نمیتواند وابسته به این باشد که شخص مال باخته در خواب دیده است که فلان شخص مال او را دزدیده و یا با تمام وجود معتقد است که کار فلانی است .

همچنین جمعیت زیاد افراد معتقد به یک دیدگاه در حالیکه فاقد اسناد و مدارکی باشند که بتوانند دیگران را هم قانع سازند ، نباید تاثیری بر پذیرش یک موضوع داشته باشد . فراموش نکنیم روزگاری همه ی مردم جهان اعتقاد قطعی داشتند که زمین سطح صافی است که بر شاخ گاوی قرار گرفته است و یا خورشید بر گرد زمین میچرخد . باورهایی که امروز همه به نادرست بودن آنها آگاه شده اند . و سرانجام اینکه درست مطابق آنچه در دنیای علم بدان عمل میشود ، شخصیت علمی ، سیاسی ، فلسفی یا اجتماعی هیچ فردی هر چند عظیم هم نباید دلیل درست بودن نظر آن شخص شود مگر آنکه شواهد و مدارک منطقی و قابل دسترس برای عموم و یا در موارد تخصصی برای همه ی متخصصان ، برای آن ارائه شود . در جهان علم ، آلبرت انشتین هم که باشی اگر بدون سند و مدرک و آزمایش و منطق چیزی بگویی قابل پذیرش نخواهد بود .

و سرانجام سخت ترین و دشوار ترین مرحله ی موجود داشتن شهادت پذیرش نتایج این تحقیقات میباشد که از عهده ی کمتر کسی ساخته میباشد . چرا که اغلب انسانها تقریباً بیشتر سالهای عمر خود را در مسیری که در ابتدای نوشته بیان شد طی کرده و همواره خود را قانع کرده و میکنند که مسیرشان درست بوده و هست . میگویند تنها چیزی که به عدالت بین همه ی انسانها تقسیم شده است عقل میباشد ! زیرا همه ی انسانها خود را به اندازه ی کافی عاقل میدانند !! و از طرفی به گفته ی برتراند راسل نیز اگر بپذیرند که اینهمه راه و عمر خود را اشتباه آمده اند ، پاسخ تاولهای کف پای خود را چه بدهند !؟

پس به طور خلاصه شک و تردید و ایجاد پرسش و تمایل به دانستن پاسخ حتی اگر مغایر میلان باشد ، فرو نشاندن خشم ناشی از عدم توانایی استدلال ، تحقیق و گردآوری اطلاعات از منابع مختلف و راستی آزمایی آنها با اصول منطقی و سرانجام داشتن شهادت لازم برای پذیرش حقیقت حتی اگر به زیان خود ما باشد . چند پله و گام اساسی است برای آنکه بدانیم که آیا قضاوت ما نسبت به مسایل و پدیده های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، مذهبی و . . پیرامونمان درست است یا غلط ؟ که آنچه بیان شد به نوعی همان روش علمی است که ستون علم و دانش در مفهوم امروزی آن نیز میباشد .

پاورقی 1

در روش علمی که ستون دنیای علم امروز است ابتدا مسئله ای مطرح میشود سپس برای آن فرضیه هایی در ذهن ایجاد میشود آنگاه به تجربه و آزمایش پرداخته میشود و اگر تجربه و آزمایش بتواند فرضیه ای را تایید کند آنگاه فرضیه به یک نظریه تبدیل میشود و این نظریه تا زمانی که بتواند درست پیش بینی کرده و هیچ آزمایش نیز خلاف آن را نشان ندهد روی میز علم قرار خواهد داشت . در دنیای علم دانشمندان همواره در حال به چالش کشیدن نظریه های موجود هستند تا شاید بتوانند در جایی مچ آنها را گرفته و از اعتبار ساقطشان کرده و بزرگترین جایزه ی علمی جهان را نصیب خود کنند (و نه اینکه مجازات شوند !) همچنین در دنیای علم و در روش علمی از همان ابتدا مشخص میشود که اگر چه چیزی دیده شود باید یک نظریه از اعتبار ساقط شود .

مظفر شریعتی

مهر ماه 1